

**Predigt zum 3. Sonntag der Passionszeit, Okuli, 3.3.2024,  
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK), Pfr. Gerhard Triebe  
Kirchenmusikalischer Gottesdienst zum Kunstprojekt „Das Gewand“**

Psalm 25,15 und 34,16-20.23:

چشم من همیشه به خداوند است. "مزمور 25:15"

چشم خداوند به صالحان است. «مزمور 34:16 الف»

I.

جامعه عزیز دیدن با دیدن یکی نیست. مثلاً من با یکی از دوستانم صحبت می‌کنم و با دقت به او نگاه می‌کنم. من به آنچه او برای گفتن دارد علاقه دارم. ما مدام به چشمان یکدیگر نگاه می‌کنیم. ما همدیگر را درک می‌کنیم. - من به شدت با شخص دیگری کار می‌کنم. اما او برای من غریبه می‌ماند. این به این دلیل نیست که ما چیزی برای گفتن به یکدیگر نداریم. اما به نوعی احساس می‌شود که او ماسک زده است. او را می‌بینم، اما نمی‌شناسمش. او به من هیچ بینشی از درون خود نمی‌دهد. این البته حق اوست. اما نمی‌توان اعتماد را به این شکل ایجاد کرد.

واقعاً نزد خدا چگونه است؟ البته او همه چیز را می‌بیند. او همه ما را زیر نظر دارد. هیچ چیز بر او پوشیده نیست و او از همه رازها آگاه است. آیا این نشانه یک رابطه نزدیک و دوستانه است یا بیشتر یک تهدید است؟ مزمور نویس می‌گوید: «چشم خداوند به صالحان است.» او چگونه به من نگاه می‌کند؟ آیا این یک درک دقیق، یک تماشای خیرخواهانه است؟ بالاخره دیدن با دیدن یکی نیست

مزمور نویس می‌گوید که خدا با محبت به افراد صالح نگاه می‌کند. آیا من تعلق دارم؟ بستگی به این دارد، که چه چیزی یک انسان عادل را می‌سازد. به طور کلی، احتمالاً پاسخ می‌دهیم: کسی که منصف است کسی است که از قوانین زندگی پیروی می‌کند، از نظر اخلاقی زندگی مثال زدنی دارد و با همه خوب کنار می‌آید، زندگی روزمره‌اش را با مهربانی اداره می‌کند، کسی که در زندگی موفق است. اما داوود که دعای مزمور می‌کند، در کمال تعجب به این سوال به شیوه ای کاملاً متفاوت پاسخ می‌دهد. او می‌گوید: «خداوند به دل شکسته‌ها نزدیک است و آنانی را که در روح شکسته‌اند، نجات می‌دهد» (34:17). خدا داره بهش نگاه می‌کند

اگر این جمله را برگردانیم، می‌توانیم معنای این را بفهمیم: «خداوند از کسانی که در امان هستند، از خودشان راضی هستند، خودپرست هستند و مغرور هستند، دور می‌ماند.» به آنها خیرخواهانه نگاه کنید از آنها روی برمی‌گرداند! چرا؟ زیرا آنها نمی‌خواهند به او بینشی از زندگی خود بدهند. چون نقاب می‌زنند و می‌گویند: «نیازی ندارم خدا نجاتم دهد. من خودم خوب می‌شوم من زندگی ام را تحت کنترل دارم. من با اکثر مردم خوب کنار می‌آیم و همیشه سعی می‌کنم کار درست را انجام دهم. چرا من به یک ناجی نیاز دارم؟ خب، همه چند اشتباه دارند، فقط باید با آن زندگی کنید. من محتاج آمرزش گناهان نیستم.» چشمان پروردگار با ناراحتی از چنین افرادی دور می‌شود. خودپسندی نقابی است که نگاه محبت آمیز خداوند را به آنها مسدود می‌کند. او را از زندگی خود بیرون کردند. خداوند آن را می‌پذیرد، سپس به این افراد خیرخواهانه نگاه نمی‌کند - نه در دنیا و نه در ابدیت

اکنون مزمور ما می‌گوید: «خداوند به دل شکسته‌ها نزدیک است و به کسانی که روحشان شکسته کمک می‌کند.» شاید شما بگویید: «من نمی‌توانم خود را دل شکسته کنم!» من نمی‌توانم به خودم قلب شکسته بدهم! «درست است. اما شما می‌توانید یک کار انجام دهید: می‌توانید با واقعیت روبرو شوید. آیا نامهربانی شما، دروغ‌های شما، بی‌تفاوتی شما - آیا این گناه است؟ یا نه؟ با واقعیت زندگی خود روبرو شوید! سپس با

قلب شکسته شروع می شود. شما باید «عادل» باشید، یعنی مطابق با آنچه خدا شما را در نظر گرفته است. آیا این برای شما خوب است؟ در غیر این صورت، می توانید بگویید: "خداوند، تو مرا به شکل خود آفریدی، اما من چیز دیگری شدم." با واقعیت شکست خود روبرو شوید، در حالی که باید عشق را تمرین می کردید و در عوض فقط به دنبال سود خود بودید.

چنین خودشناسی افسرده کننده است و به نظر می رسد اصلاً با زمان و دنیای ما سازگار نیست. همه باید همیشه حال خوب، با اعتماد به نفس و روحیه خوبی داشته باشند. نشان دادن ضعف ممکن نیست. در دنیای ما جایی برای آن وجود ندارد. به همین دلیل است که سعی می کنیم قلب شکسته خود را پنهان کنیم. ما نقاب هایمان را جلوی دیگران می زنیم. این نیز یک حفاظت است. هیچ کس نباید یا نباید توجه کند که درون ما چگونه به نظر می رسد، این که ما نیز ورطه ها و جنبه های تاریک خود را داریم، که اغلب نمی دانیم بعد از آن چه کنیم.

اما در پیشگاه خدا می توانیم نقاب هایمان را برداریم. او می داند که اوضاع با ما چگونه پیش می رود. ما می توانیم به او نشان دهیم که چگونه هستیم، بی دفاع و درمانده - اکنون و اینجا. وقتی بعد از آن به محراب می آییم، به اصطلاح ما را در آغوش می گیرد. او با بدن و خون پسرش هر چیزی را که با تصویر او مطابقت ندارد می پوشاند. او به اصطلاح، جامه پسرش را به تن ما می کند، همانطور که در اینجا می بینیم بنابراین او به ما خیرخواهانه نگاه می کند، زیرا اکنون کسی را می بیند که کاملاً با تصویر او مطابقت دارد. همانطور که دیوید در اینجا می گوید، او زندگی ما را از این طریق نجات می دهد و ما را از گناه رهایی می بخشد.

## II.

این اکنون همچنین نحوه نگاه و دیدن ما را تغییر می دهد. با یادفون مزبور آغازین قبلاً اعتراف کردیم چشم من همیشه به خداوند است" (25:15). ممکن است در ابتدا کمی گنگ به نظر برسد: من نمی توانم" خدا را آنطور که الان شما را می بینم ببینم. و این به خاطر عینک من نیست. این در مورد یک روش متفاوت دیدن است، در مورد نگاه کردن با چشمان روح من. داوود در ابتدای این مزبور اینگونه بیان می (25.1f) «کند: «ای خداوند، تو را می خواهم. خدای من، به تو امید دارم»

روح ما به آنچه در اعماق وجودش آرزوی آن را داریم، به آنچه امیدواریم و از آن انتظار حمایت داریم می نگرد. روح ما همیشه تصویری در ذهن دارد، مطمئناً. برخی ممکن است ساحلی بهشتی زیر آفتاب جنوب را در ذهن داشته باشند، برخی دیگر ممکن است "خانه ای در کنار دریاچه در انتهای خیابان" داشته باشند که در آن نوه ها با خوشحالی در باغ بازی می کنند. برای بسیاری از هموطنان مسیحی پارسی ما، این گذرگاه قرمز است. هنگامی که آن را داشته باشید، نه تنها می توانید برای همیشه در آلمان بمانید و از «تمام حقوق و آزادی های کشور بهره مند شوید. سپس، آنها فکر می کنند که بالاخره می توانند به وطن قدیمی خود برگردند و دوباره خانواده را ملاقات کنند. چندی پیش گزارشی دیدم درباره زن و شوهری که شغل خود را رها کرده بودند و همه چیز را فروخته بودند تا با قایق خود به دور دنیا سفر کنند. آنها سالها برای این کار تلاش کرده و زندگی کرده بودند. تا آن زمان عکس قایق بادبانی همیشه به عنوان انگیزه روی میز آشپزخانه آویزان بود.

همه این تصاویر می توانند به سرعت تبدیل به بت هایی شوند که ما از آنها انتظار خوشبختی و رستگاری داریم و همچنین آماده قربانی های بزرگ هستیم. آن ها همیشه در زیباترین رنگ ها می درخشند، اغلب زیباتر از آنچه در واقعیت می توانستند باشند.

ده فرمان می فرماید: ما نباید برای خود هیچ تصویری از خدا بسازیم. ما دیگر این فرمان را در تعلیمات خود نمی یابیم. زیرا خدا اکنون تصویری از خود به ما ارائه می دهد. اما این با همه بت ها بسیار متفاوت

است. هیچ کس هرگز به تنهایی به آن فکر نمی کند. زیرا این تصویر یک مرد درخشان، یک فرد موفق یا یک هنرمند را نشان نمی دهد. به ندرت کسی روی این تصویر در اینستاگرام یا تیک تاک کلیک کند

چشم من همیشه به خداوند است. « وقتی به خدا نگاه می کنیم روح ما چه می بیند؟ ما یک فرد شکنجه شده» را می بینیم - با بد رفتاری، محرومیت، تمسخر. برعکس هیچ چیز زیبا و جذابی در او وجود ندارد. منظره او وحشتناک است. زیرا خداوندی که می بینیم عیسی مصلوب شده است. ردای زیبا از او گرفته شده است او برهنه، پوشیده از زخم، عکسی از رنج را در آنجا آویزان می کند. خداوند توجه ما را به او معطوف می کند.

هیچ نشانه ای از خوشبختی و رستگاری که در روای ماست وجود ندارد. این تصویر امیدهای خودساخته ما را به سخره می گیرد. ولی چرا؟ چرا خداوند متعال این تصویر را از همه چیز به ما ارائه می دهد؟ چرا خودش را اینطور نشان می دهد؟ من دو پاسخ پیدا می کنم

در انسان مصلوب، گناه دنیا را در آینه می بینیم: رویاهای خیس یا براق نیست، بلکه بدبختی، بی عدالتی، دروغ، خیانت، نفرت، وحشیگری، انسانیت زدایی، جنگ. این تصویر هر آنچه را که اخبار از هر گوشه زمین به ما نشان می دهد و هر آنچه در قلب ما خفته است را به ما نشان می دهد

در انسان مصلوب، گویی در زیر ذره بین، عشق متمرکز به خدا را می بینیم. خداوند در او خود را با ما یکی دانسته است: محبت او به ما آنقدر زیاد است که در گناه ما وارد می شود، آن را تحمل می کند، آن را تحمل می کند و به دلیل آن هلاک می شود - و این برای ما. خدا همه این کارها را انجام داد تا بتوانیم از طریق مسیح نزد او بیاییم

آیا ما واقعا "همیشه" به این آقا نگاه می کنیم؟ این اصلا امکان پذیر نیست. وقتی رانندگی می کنم با چشمی هوشیار بیشتر به ترافیک توجه می کنم. و همچنین ترجیح می دهم در محل کار، هنگام آشپزی، ورزش و بازی با بچه ها کاملاً متمرکز باشم. من مطمئن هستم که دعای مزبور نیز زندگی روزمره خود را داشته است. او این کار را طور دیگری انجام نداد. اما وقتی اعتراف می کند که "چشم من همیشه به خداوند است چه می خواهد؟"

در اینجا نیز منظور او این نگاه با چشم روح است که قبلاً در مورد آن صحبت کردم. هنگامی که او اعلام می کند: "من تو را می خواهم، ای خداوند. خدای من به تو امید دارم" سپس می گوید: خدایا تو همانی که آرزوی من را دارم. تو عشق زندگی من، شادی و خوشبختی من، بندر من و تکیه گاه من هستی. من هرگز نمی خواهم تو را ترک کنم

این چیزی است که یک متصدی رستورانش گزارش داد. وقتی از او پرسیده شد که چگونه می تواند زوج های عاشق را بشناسد، پاسخ داد: "زوج هایی که برای قرار ملاقات می کنند، همیشه به یکدیگر نگاه می کنند. برخلاف زوج هایی که می نشینند و اولین کاری که می کنند این است که گوشی شان را بیرون می آورند و به صفحه نمایش خیره می شوند، نمی توانند چشم شان را از هم دور کنند." هر دو از هم سیر نمی شوند. به او نگاه می کند. و به او نگاه می کند. حتی اگر روز بعد هیچکدام سر یک سفره ننشینند و افراد و چیزهای دیگر جلوی چشمانشان بیاید، باز هم مشخص است که آنها متعلق به چه کسانی هستند و در آرزوی چه کسانی هستند

چشمان خداوند بر صالحان است. و: چشمان من همیشه به خداوند است. این توصیف خوبی از معنای ایمان است. چقدر خوبه که اینجوری حواسمون به همدیگه باشه. آمین